# A re-reading of the literal meaning of the word minaret with an emphasis on the minarets of the first Islamic era

Zahra Pourshabanian[1]

**Abstract**

In terms of function and structure, minarets are considered as one of the most prominent forms of architecture in the scope of Islamic civilization. The existential philosophy of these special buildings in the Islamic era was formed in line with the victory of Islam in conquered lands and a place to invite Muslims to pray, and they gradually became a symbol of government authority in the development of architectural patterns and urban development, to the extent that high minarets in the identity of Islamic cities, with their characteristic structural and decorative forms, have become a symbol of political power, religious power and social power of governments in the spread of Islam and an indicator of Islamic civilization. In addition to the political and artistic importance, the religious attitude towards this architectural structure has also been considered. It has been mentioned in the Qur›an, narrations and hadiths with different interpretations, such as guidance, burning torch, minaret and guide sign, as well as the position of the call to prayer. Now this question comes to mind that to what extent the meaning and application in the design of the minarets of the Islamic era are intertwined? In the present article, it is a basic-theoretical research with a religious-historical approach in a descriptive-analytical way and based on written and library sources, and its purpose is to know the conceptual position of the word minaret from the perspective of the Qur›an and religious traditions. In line with the above goal, the concept of the word minaret and its root, which is light, are re-read from the perspective of the Qur›an and specific religious sources, taking into account its interpretations in terms of meaning, and in line with its meaning, prominent minarets in the early Islamic centuries , are taken into consideration.

**Key words:** Islamic era, Minaret, Quran, Ahadiths, Mosque.



1. Doctorate in archeology (art, culture and architecture of the Islamic world)
Zahra_pourshabanian@yahoo.com

فصل نامه علمی مطالعات بقاع و اماکن متبرکه
| العالم الاول | العدد ١ | الربيع ١٤٤٥

# دراسه المعنى اللغوي لمصطلح المئذنه مع التركيز على المآذن الاولى في العصر الإسلامي

زهرا بورشعبانيان[١]

## الخلاصه

تعتبر المآذن من أهم الأشكال المعماريه في اطار الحضاره الإسلاميه من حيث الوظيفه والبنيه، فلسفه وجود هذه المباني المميزه في العصر الإسلامي، تتماشى مع انتصار الإسلام في الأراضي المفتوحه و مكان لدعوه المسلمين، و قد تم تشكيله لأداء الصلاه وأصبح تدريجياً رمزاً للسلطه الحكوميه في تطوير الأنماط المعماريه و التنميه العمرانيه. لدرجه أن المآذن العاليه اثرت على هويه المدن الإسلاميه، بما تتميز به من أشكال بنيويه وزخرفيه، أصبحت رمزا للقوه السياسيه و القوه الدينيه و القوه الاجتماعيه للحكومات في انتشار الإسلام و مؤشرا للحضاره الإسلاميه. بالإضافه إلى الأهميه السياسيه، تم أيضاً مراعاه الجانب الفني و الديني تجاه هذا الهيكل المعماري. وقد ورد في القرآن و الأحاديث بتفاسير مختلفه، مثل الهدايه، المناره، والمئذنه، والنور ال‌هادي، موضع الأذان. والآن يتبادر إلى الأذهان هذا السؤال: إلى أي مدى يمتزج المعنى و التطبيق في تصميم مآذن العصر الإسلامي؟ في هذا المقال بحث نظري أساسي ذو منهج ديني تاريخي بطريقه وصفيه تحليليه و بالاعتماد على المصادر المكتوبه و المكتبيه، و الغرض منه معرفه المفهوم لكلمه المئذنه من وجهه نظر القرآن و التقاليد الدينيه. وتماشياً مع الهدف أعلاه فانه يتم إعاده قراءه مفهوم كلمه المئذنه و مصدرها من منظور القرآن الكريم و مصادر دينيه محدده، مع مراعاه تفسيراتها من حيث المعنى، و بما يتماشى مع ذلك المفهوم، يتم التطرق الى لمآذن البارزه في القرون الإسلاميه الأولى.

**الكلمه الرئيسيه؛** العصر الإسلامي، المئذنه، القرآن، الأحاديث، المسجد

١. الدكتوراه في علم الآثار (الفن والثقافه والعماره في العالم الإسلامي)
Zahra_pourshabanian@yahoo.com

# بازخوانشی بر معنای لغوی واژه مناره با تأکید بر مناره‌های نخستین دوران اسلامی

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

زهرا پورشعبانیان[۱]

## چکیده

منارهها به لحاظ کارکرد و ساختار به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین فرم‌های معماری در گستره تمدن اسلامی مطرح هستند، فلسفه وجودی این بناهای خاص در دوران اسلامی، در راستای پیروزی اسلام در سرزمین‌های مفتوحه و مکانی برای دعوت مسلمانان برای اقامه نماز شکل گرفته است و کم‌کم به نمادی از اقتدار حکومتی در توسعه الگوهای معماری و توسعه شهری تبدیل گردیدند. تا آنجا که مناره‌های مرتفع در هویت شهرهای اسلامی با فرم‌های شاخص ساختاری و تزیینی خود، به نمادی از قدرت سیاسی، قدرت مذهبی و قدرت اجتماعی حکومت‌ها در گسترش اسلام و شاخص تمدن اسلامی تبدیل شده‌اند، علاوه بر اهمیت سیاسی، هنری نگرش دینی به این ساختار معماری نیز مورد توجه بوده است. در قرآن، روایات و احادیث با تعابیر مختلفی اعم از هدایت، مشعل فروزان، مناره و میل راهنما، جایگاه اذان از آن یاد شده است. حال این سؤال به ذهن متبادر می‌گردد که معنا و کاربرد در طراحی مناره‌های دوران اسلامی تا چه اندازه با هم عجین شده است؟ در نوشتار حاضر، پژوهشی بنیادی - نظری با رویکردی دینی تاریخی به شیوه توصیفی - تحلیلی و مستند به منابع مکتوب و کتابخانه‌ای است و هدف آن شناخت جایگاه مفهومی واژه مناره از منظر قرآن، و روایات مذهبی است. در راستای هدف فوق مفهوم واژه مناره و بن‌مایه آن نور از دیدگاه قرآن و منابع خاص مذهبی با در نظر گرفتن تعابیر آن از لحاظ معنا مورد بازخوانش قرار می‌گردد و در راستای مفهوم آن مناره‌های شاخص در قرون اولیه اسلامی مورد نگرش قرار می‌گیرند.

**کلیدواژه‌ها:** دوران اسلامی، مناره، قرآن، احادیث، مسجد

۱. دکتری تخصصی باستان‌شناسی( هنر، فرهنگ و معماری جهان اسلام)
Zahra_pourshabanian@yahoo.com

فصل نامه علمی مطالعات بقاع و اماکن متبرکه

## مقدمه

معناشناسی واژه ارتباط مستقیمی با فهم یک موضوع دارد، واژگان مصطلح در فرهنگ هر سرزمین بازتابی از ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ادبی هستند. واژه مناره نیز از این قاعده کلی مستثنی نبوده و کارکرد آن با مفهوم لغوی آن هم راستا است. کلمه منار از ریشه «نار» و «نور» با معنای لفظی چراغ‌دان و جای بلند که بر فراز آن چراغ افروزند معنای روشنایی را تداعی می‌کند، گرفته شده است. این لغت به معنای جایگاه آتش و یا جایگاه نور است، از نظر استعاری به معنای برجی است که از فراز آن نور پراکنده می‌شود و راهنمای انسان در تاریکی است و همچنین ستون بسیار بلندی که از سنگ و آجر ساخته شده و بر بالای آن اذان می‌گفتند (پادشاه، ۱۳۳۵-۱۳۳۶، ج ۶: ۴۱۳۶- نفیسی، ۱۳۵۵، ج ۵: ۳۵۲۱). تعابیر برگرفته از این واژه در مفاهیم دینی به تواتر بکار رفته است علل به‌کارگیری آن نیز درک مفهومی از واژه برای افراد است که با کمک تشبیه، استعاره و دیگر آرایه‌های ادبی فهم معنی را تسریع می‌بخشد. با این وصف نگرش بر مفهوم واژه مناره دید جامعی از مفهوم مذهبی، اجتماعی، سیاسی و هنری را فراهم می‌سازد. مناره‌های عظیم نشان حضور اسلام در سرزمین‌های مفتوحه است، و غالباً در آن‌ها بر نقشه محوری و جهت قبله تأکید شده که یادآور قدرت حکومت در هر دوره است. شکل این مناره‌ها از میراث مرکبی برخوردار است که برخی را از فانوس‌های دریایی یونانی - رومی گرفته‌اند، برخی از برج‌های ناقوس مسیحی، و برخی را از زیگورات‌ها یا برج‌های معابد بین‌النهرین باستان و ایران الگوبرداری نموده‌اند. هر یک از این فرم‌ها نشانگر قدرت تغییر خلاق هنر اسلامی است که در طرح‌های عظیم ساختمانی بکار رفته است، و اصالت آن‌ها در هم آمیختن با عوامل موجود در گذشته سرزمین‌های مفتوحه است. بدین گونه فرم‌های معماری مقدس اسلامی به هنگامی متولد شد که با کامیابی الگوهای نوینی را ابداع نموده و فضاهایی درخور و مناسب برای نیایش اسلامی طرح افکنده است، و هنرمندان مسلمان با ارائه طرح‌های مختلف تزیینی توازونی موزون در فرم‌های ساختاری مناره‌ها پدید آوردند. این معماری مقدس دارای دو هدف متقابل، افزایش زیبایی تشریفاتی و دیگری پاسداری از ارزش‌های اسلامی بود و هر دو از جنبه شرعی اسلام نشئت پذیرفته بودند. این امر استوارترین پیوند میان تشریفات و مذهب در تمدن اسلامی بود.

## پیشینه پژوهش

موضوعی با محوریت بررسی معنای واژه مناره به شکل پراکنده و موضوعی در خلال منابع مختلف ادبیات، متون مذهبی و تاریخ تمدن اسلام و آثار برخی از محققین و پژوهشگران معاصر حوزه دین، معماری و تاریخ آمده است. منابع مطالعاتی در خصوص این موضوع را می‌توان در چند بخش تقسیم نمود؛ بخش اول منابع ادبی و فرهنگ لغت همانند؛ (پادشاه، ۱۳۳۵-۱۳۳۶)، (دهخدا، ۱۳۴۱-۱۳۴۲)، (نفیسی، ۱۳۵۵)، (داعی‌الاسلام، ۱۳۶۲) است. بخش دوم منابع مذهبی و دینی همانند؛ قرآن، نهج‌البلاغه (۱۳۹۱)، صحیفه سجادیه (۱۳۸۸) است، در بخش سوم کتاب‌های حوزه باستان‌شناسی همانند؛ (مجیدزاده، ۱۳۸۰؛ کالج، ۱۳۸۵؛ گیرشمن، ۱۳۸۵؛ فیروزمندی، ۱۳۸۵؛ محمدی فر، ۱۳۹۴) در بخش چهارم کتاب‌های حوزه معماری و تاریخ در بحث شناخت مناره‌های

نخستین شایان توجه هستند؛ منابع مطالعاتی همانند؛ (هوگ و مارتین، ۱۳۷۵؛ اتینگ‌هاوزن - گرابار، ۱۳۸۳؛ هیلن‌برند، ۱۳۸۵-۱۳۹۱؛ بلر، ۱۳۸۵؛ بوک‌هارت، ۱۳۹۰؛هاتشتاین - دیلیس، ۱۳۹۰) موجود هستند. هریک از منابع فوق و منابع فراوان دیگر به بخشی از موضوع پرداخته‌اند و مناره را در راستای کارکرد مورد بازبینی معنایی قرار دادند، در مقاله فوق سعی شده به طور جامع همه مفاهیم شاخص این واژه مورد بررسی قرار گیرد و مناره‌های شاخص قرون اولیه معرفی گردد.

## ۱. روش پژوهش

این نوشتار، پژوهشی بنیادی - نظری با رویکردی دینی، به شیوه توصیفی - تحلیلی و مستند به منابع مکتوب حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای است تا نگرشی جامع به مفهوم مناره از منظرهای مختلف و شناخت مناره‌های شاخص قرون دوران اسلامی داشته باشد.

## ۲. مناره

قرآن کریم منبع بی‌نظیری از الهامات فرهنگی، اجتماعی، هنری در عرصه سرزمین‌های اسلامی است هر یک از آیات این کتاب آسمانی مفهومی بی‌بدیل برای درک شاخص‌های فکری، اجتماعی تمدن‌های اسلامی است. «معراج» پیامبر اعظم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین معجزات ایشان در سایه عبودیت آن حضرت رخ‌داده است. تصریح قرآن کریم در وقوع معراج در آیه اول سوره اسرا و آیات هشتم تا هجدهم سوره نجم نشان از عظمت واقع معراج در قرآن دارد. مشاهدات پیامبر اکرم در شب معراج هسته تفکرات فلسفی در هنر، ادبیات و معماری اسلامی خصوصاً ساختار مساجد را بنیان نهاد، حضرت رسول در روایت معراج تناسبات هندسی عالم معنا را بازگو می‌کنند[۱]. در این تعابیر مناره به لحاظ الگویی محورهستی شناسی انسان را بازتاب می‌دهد، بُعد عمودی و متعالی که به وجود مادی «دوبعدی» انسان عمق یا ارتفاع می‌دهد. به لحاظ بیرونی انسان را نشان می‌دهد، قالب معین که به‌تنهایی در کنار موجودات در جهان سرپا می‌ایستد و به لحاظ درونی یادآور روح انسان است که اشتیاق بازگشت به مکان ازلی خاستگاه خود را دارد. می‌توان محل قرارگرفتن و تعداد مناره‌های طراحی شده در معماری اسلامی را به‌وسیله مفاهیم تعادل، متقارن، تعریف فضایی و نظریه اعداد موردمطالعه قرار داد. حرکت تاریخی مناره از موقعیت منزوی و تنهای آن تا حرکت به سوی گنبد، را می‌توان به‌صورت تجلی یکپارچگی و وحدت دید. تقسیم دوگانه نهایی مناره به دو برج که پهلوی قوس‌های دروازه اصلی قرار می‌گیرند و به اتاق گنبد دار صحن منتهی می‌شوند برداشتی از صحن متقارن خلقت است. این دو مکمل جامع تجلی حرکت محوری از درون دروازه به سمت وحدت ن‌هایی، یعنی گنبد را نشان می‌دهد (اردلان - بختیار، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

۱. سوره بقره؛ آیه ۲۵، آیه ۲۶۶/ سوره آل عمران؛ آیه ۱۵، آیه ۱۳۶، آیه ۱۹۸/ سوره النعام؛آیه ۶/ سوره المائده؛ آیه ۱۲، آیه ۸۵، آیه ۱۱۹/ سوره یونس؛ آیه ۹/ سوره محمد؛ آیه ۱۲/ سوره الفتح؛ آیه ۵، آیه ۱۷/ سوره مجادله؛ آیه ۲۲/ سوره توبه؛ آیه ۷۲، آیه ۸۹، آیه ۱۰۰/ سوره العنکبوت؛آیه ۵۸/ سوره حج؛ آیه ۱۴، آیه ۲۳/ سوره فرقان؛ آیه ۱۰/ سوره نحل؛ آیه ۳۱/ سوره النسا؛ آیه ۱۳، آیه ۵۷، آیه ۱۲۲/ سوره ابراهیم؛ آیه ۲۳/ سوره الکهف؛ آیه ۳۱/ سوره الرعد؛ آیه ۳۵/ سوره الزمر؛ آیه ۲۰/ سوره الحدید؛آیه ۱۲/ سوره الاعراف؛ آیه ۴۳/ سوره التغابن؛ آیه ۹/ سوره الصف؛ آیه ۱۲/ سوره الطلاق؛ آیه ۱۲/ سوره طه؛آیه ۷۶/ سوره التحریم؛ آیه ۸/ سوره البروج؛ آیه ۱۱/ سوره البینه؛ آیه ۸.

فصل نامه علمی مطالعات بقاع و اماکن متبرکه

### ۱ـ ۲. معنای لغوی واژه مناره

در مفهوم مناره، شاید بتوان گفت با یکی از باستانی‌ترین ساخته‌های معماری بشر روبه‌رو هستیم. بناهای خورشیدی ما قبل تاریخ و ستون‌هایی که مقررات و مرزهای قلمرو فرهنگ‌های مختلف بر آن حک شده است بخشی از تاریخ آن هستند (اردلان - بختیار، ۱۳۹۲: ۱۰۳). با توجه به تاریخ کهن این سازه معماری، نظریات متعددی در باب مفهوم واژه مناره از سوی محققین و پژوهشگران زبان فارسی بیان گردیده است. منار، مناره، گلدسته، ماذنه و مئذنه پرکاربردترین واژگان مترادف در این باب هستند که به طور مفصل مورد بررسی قرار خواهند گرفت. لیکن واژه‌هایی نظیر؛ علم، علامه «به معنای پرچم»، شاخص مرز، نشانگاه، سنگ ایستاده، میل «برج دیده‌بانی» نیز برای مناره کاربرد دارند (هیلن‌براند، ۱۳۸۵: ۱۳۴). مناره، صومعه و ماذنه ظاهراً حکایت از اشاره به سه وجه عملکردی متفاوت از بنا دارند. از این نظر مناره برای کاربری‌های مختلف مورد مصرف داشته است. هر یک از این کاربری‌ها نیز به طور بسیار طبیعی واژگان مناسبی را برای خود تولید کرده‌اند (هیلن‌براند، ۱۳۸۵: ۱۳۲). در فرهنگ آنندراج؛ منار با فتح و رای مهمله، چراغ دان و جای بلند که بر فراز آن چراغ افروزند، معنی شده چرا که این صیغه ظرف است به معنی جای نور و مجازاً جای بلند که دو ستون از خشت و یا سنگ بر یمین و شمال مساجد بوده است که شاید در زمان قدیم بر آن چراغ می‌افروختند به همین سبب به آن مناره گویند (پادشاه، ۱۳۳۵-۱۳۳۶، ج ۶: ۴۱۳۶). در فرهنگ نفیسی؛ منار را مأخوذ از واژهای تازی می‌دانند که عبارت از جای بلندی بوده که بر آن چراغ می‌افزودند و نیز ستون بسیار بلند که از آجر و یا سنگ ساخته می‌شده که بر بالای آن اذان می‌گفتند و همان جوتره است. برای مناره نیز مشابه همین معانی ذکر گردیده است (نفیسی، ۱۳۵۵، ج ۵: ۳۵۲۱). ناظم‌الاطبا، مأذنه را نیز مترادف جای اذان، مناره و صومعه[1] می‌داند (نفیسی، ۱۳۵۵، ج ۵: ۳۶۲۰). در فرهنگ نظام؛ دو واژه منار و مناره در کنار یکدیگر ذکر گردیده و مناره را همان منار دانسته‌اند و معنی آن را نخست مترادف با جای نور «محل» بیان نموده که کارکرد آن برای نشان دادن راه و سرحد بوده است، و در معنی دوم مناره را بنای برج مانند که در مسجد ساخته می‌شود و مؤذن بر بالای آن اذان می‌گوید یکی دانسته‌اند که در ابتدا برای گذاشتن چراغ بوده است (داعی‌الاسلام، ۱۳۶۲، ج ۵: ۲۲۷).

در فرهنگ دهخدا؛ به نقل از ناظم‌الاطبا در فرهنگ نفیسی، از منار، جوتره و فنار نام برده شده، بنایی که در راه از سنگ و خشت برپا می‌کردند. اصل لغت به معنی چراغ پایه بوده و ظاهراً وجه تسمیه آن به جهت چراغی بوده که سابق برای راه یافتن مسافران بر فراز مناره می‌افروختند، زیرا که در بلاد عرب مسافران شب‌ها حرکت می‌کردند (دهخدا، ۱۳۴۱-۱۳۴۲، ج ۲۹: ۲۲۸۳). همچنین دهخدا از واژه گلدسته نیز نام برده، و آن را عبارت از جای بلندی می‌داند که در مساجد برای بلندتر شدن بانگ مؤذنان می‌ساختند و در نزدیکی گنبد مسجد قرار داشته است (دهخدا، ۱۳۴۱-۱۳۴۲، ج ۲۷: ۱۱۱۶).

در فرهنگ فارسی معین؛ منار را محل نور، جای روشنایی و جای بلندی که برای راهنمایی

---

۱. این کلمه که هنوز در شمال آفریقا کاربر دارد، به معنای حجره ای است که در آن یک نفر مسیحی«معمولاً راهب» به انزوا روزگار می‌گذراند(هیلن براند، ۱۳۸۵: ۱۳۳).

مسافران و کشتی بر بالای آن چراغ می‌افزودند مترادف می‌دانند، و در مفهوم بعدی آن را ستونی مرتفع که از آجر یا سنگ ساخته شده و بر بالای آن اذان می‌گویند تعبیر نموده‌اند (معین، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۸۲۳-۱۸۲۴). در فرهنگ عمید؛ منار را جای نور، روشنایی و ساختمانی برج مانند در کنار راه برای افروختن چراغ به جهت راهنمایی مسافرین معنی نمودند و مناره را جای نور، گلدسته، ستون بلند و ساختمان برج مانند که در معابد و مساجد برای چراغ روشن‌کردن یا اذان گفتن بوده، تعبیر نمودند (عمید، ۱۳۸۹: ۹۷۷).

## ۲-۲. مفهوم واژه مناره و بن‌مایه آن «نور» در قرآن کریم

در قرآن کریم ذکری از واژه مناره نشده، اما بن‌مایه اصلی آن بارها عنوان گردیده است، بن‌مایه اصلی واژه مناره مفهوم «نور» است که در سوره‌های؛ بقره، نسا، مائده، انعام، اعراف، توبه، یونس، رعد، ابراهیم، نور، احزاب، زمر، شوری، حدید، تغابن، طلاق صحبت شده است. در میان پدیده‌های عالم ماده، نور این شرافت را یافته است که خالق، خویشتن را به آن تشبیه فرموده است خداوند در قرآن خود را نور زمین و آسمان‌ها میداند «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» خداوند نور آسمان‌ها و زمین است، مَثَل نورش مانند چراغدانی است که در آن چراغی پُرفروغ است، و آن چراغ در میان قندیلی بلورین است که آن قندیلِ بلورین گویی ستاره درخشانی است، و آن چراغ با روغنی افروخته می‌شود که از درختِ پُرخیر و برکت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی، و روغنِ آن از پاکی و صافی نزدیک است روشنی دهد گرچه آتشی به آن نرسیده باشد، نوری است بر فراز نوری، خداوند هرکس را بخواهد به سوی نورش هدایت می‌کند، خداوند برای مردم مثل‌ها می‌زند تا حقایق را بفهمند، و خداوند به همه چیز داناست (سوره نور،آیه ۳۵).

معنای مقبول نور آن است که گفته‌اند: «الظّاهِرُ بِذاتِهِ الْمُظْهِرُ لِغَيْرِهِ» خویشتن تاب روشنی بخش، و هر آن چه با این معنا همتا گردد، نور است (ندیمی، ۱۳۸۶: ۴۱). سهروردی عنصر نور را همچون تمثیلی از جلوه وجود مطلق تلقی کرده و آن را نورالانوار می‌خواند که آسمان و زمین از آن پرتو می‌گیرد و از عدم به وجود می‌آید و موجودات به نسبت قرب به روشنایی از وجودش بهره‌مندند (سلطان‌القرایی، ۱۳۸۶: ۱۱۶). نور و ترکیب‌های آن در مجموع ۴۹ بار در قرآن آورده شده است. نور به خودی خود چون جسمیت ندارد، قابل رویت نیست و برای نمایش نیاز به شیئی دارد تا بتواند خود را بروز دهد و به‌واسطه این شی اثر نور دیده میشود، نور نمیتواند دیده شود، زیرا که خود مایه دیدن است (مجلسی،۱۳۸۷: ۱۹). این گونه است که نور بیش از هر پدیده دیگر، معنای رمزی خود را در مراتب عالم آشکار می‌سازد و صورت‌های مادی نور، معنایی عمیق‌تر و گسترده‌تر از سعه وجودی خویش را جلوه‌گر می‌نماید (ندیمی، ۱۳۸۵: ۴۱). مجموع ۲۵ آیه از سوره‌های مذکور از نور به‌عنوان عامل هدایت الهی و روشن بینی دینی یاد کرده، و هدایت به سوی روشنی و بهشت برین و دوری از تاریکی و ظلمت را در گرو آن می‌داند. پیامبران و کتب مذهبی در ادیان گوناگون عامل اشاعه این روشن‌بینی مذهبی در بین انسان‌ها هستند. به‌منظور بررسی مفهوم نور، به آیاتی که این کلمه در آن‌ها آمده، استناد می‌کنیم.

### ۲-۳ معنای واژه مناره در نهج‌البلاغه

واژه مناره در یازده خطبه از نهج‌البلاغه با مفهوم راهنمایی، صراط روشن، بنای بلندمرتبه و چراغ فروزان تکرار شده است. به همین منظور برای بررسی معنا و موارد استعمال آن، به فرازهایی از خطبه-هایی که این کلمه در آن‌ها آمده، استناد می‌کنیم (جدول ۱).

فرازی از نامه ۳۱؛ «وَأَخَذَتْ بِأَبْصَارِهِمْ عَنْ مَنَارِالْهُدَى فَتَاهُوا فِی حیرت‌ها»، «و چشم‌هایشان را از دیدن نشانه‌های هدایت بربسته؛ در حیرت و سرگردانی دنیا مانده.»

خطبه ۸۷؛ «وَ الْمَنَارُ مَنْصُوبَةٌ، فَأَيْنَ يُتَاهُ بِكُمْ»، «و نشانه‌های آن آشکار و چراغ‌های هدایت نصب گردیده است.»

خطبه ۸۹/۱؛ «قَدْ دَرَسَتْ مَنَارُ الْهُدَى وَ ظَهَرَتْ أَعْلَامُ الرَّدَى»، «نشانه‌های هدایت، کهنه و ویران شده بود و پرچم‌های هلاکت و بدبختی آشکار شده.»

خطبه ۹۲/۳؛ «لَيْسَ فِيهَا مَنَارُ هُدًى، وَ لَا عَلَمٌ يُرَى»، «در آن فتنه علامت هدایتی یافت نمی‌گردد، و نشانه نجاتی دیده نمی‌شود.»

خطبه ۱۰۶؛ «وَخَرَقَ الْفِجَاجَ فِی آفَاقِهَا، وَ أَقَامَ الْمَنَارَ لِلسَّالِكِينَ عَلَى جَوَادّ طُرُقِهَا»، «و راه‌ها و نشانه‌ها برای

آنان که بخواهند در جاده‌های وسیعش قدم بردارند.

«مُشْرَفُ الْمَنَارِ، مُشْرِقُ الْجَوَادّ»، «نشانه‌های آن در بلندترین جایگاه و جاده‌هایش روشن»

خطبه ۱۵۱/۳؛ «وَتَنْثِلِمُ مَنَارَ الدِّينِ وَ تَنْقُضُ عَقْدَ الْيَقِينِ»، «در نشانه‌های دین رخنه می‌کند و یقین را از بین می‌برد.»

خطبه ۱۴۴؛ «أَيْنَ الْعُقُولُ الْمُسْتَصْبِحَةُ بِمَصَابِيحِ الْهُدَى، وَ الْأَبْصَارُ اللَّامِحَةُ إِلَى مَنَارِ التَّقْوَى»، «کجایند آن عقل‌ها که از چراغ‌های هدایت خواستار روشنی گردند؟ و کجایند چشم‌هایی که به مناره‌ها و نشانه‌های تقوا دوخته شوند.»

خطبه ۱۸۵؛ «وَأَقَامَ أَعْلاَمَ الاْهْتِدَاءِ وَمَنَارَ الضِّيَاءِ»، «پرچم‌های هدایت را برافراشت و نشانه‌های روشن را برپا ساخت.»

خطبه ۱۹۲/۲۳؛ «عُمَّارُ اللَّيْلِ وَ مَنَارُ النَّهَارِ»، «شب زنده‌دارانند و روشنی بخش روز»

خطبه ۱۹۶/۱؛ «بَعَثَهُ حِينَ لاَ عَلَمٌ قَائِمٌ، وَلاَ مَنَارٌ سَاطِعٌ، وَلاَ مَنْهَجٌ وَاضِحٌ»، «خداوند هنگامی پیامبرﷺ را مبعوث فرمود که نه نشانه‌ای از دین الهی برپا، و نه چراغ هدایتی روشن، و نه راه حقی آشکار بود.»

خطبه ۱۹۸/۳؛ «وَ مَصَابِيحُ شَبَّتْ نِيرانُهَا؛ وَ مَنَارٌ اقْتَدَى بِها سُفَّارُهَا»، «چراغ‌هایی است که شعله‌های آن برافروخته شده، و نشانه همیشه استواری است که روندگان راه حق با آن هدایت می‌شوند.»

«جَعَلَ اللهُ فِيهِ مُنْتَهَى رِضْوَانِهِ، وَ ذِرْوَةَ دَعَائِمِهِ، وَ سَنَامَ طَاعَتِهِ؛ فَهُوَ عِنْدَ اللهِ وَثِيقُ الْأَرْكَانِ، رَفِيعُ الْبُنْيَانِ، مُنِيرُ الْبُرْهَانِ، مُضِيءُ النِّيرَانِ، عَزِيزُ السُّلْطَانِ، مُشْرِفُ الْمَنَارِ، مُعْوِذُ الْمَثَارِ»، «خداوند نهایت

خوشنودی خود را در اسلام قرار داده و بزرگ‌ترین ستون‌های دینش و بلندترین قله اطاعت او در اسلام جای گرفته است. در پیشگاه خداوند دارای ستون‌های مطمئن، بنایی بلند، راهنمایی همیشه روشن، شعل‌های روشنی بخش، برهانی نیرومند و نشان‌های بلندپایه است، که در افتادن با آن ممکن نیست.

**جدول ۱: معنای لفظی واژه مناره در خطبه‌های نهج‌البلاغه «نگارنده»**

| | | | |
|---|---|---|---|
| نشانه هدایت | چراغ هدایت | نشانه نجات | علامت هدایت |
| نشانه روشن | روشنایی روز | نشانه | نشانه تقوا |

### ۴-۲. معنای واژه مناره در صحیفه سجادیه

دعای ۴۷ صحیفه سجادیه؛ بخشی از مناجات امام سجاد﵇ در دعای بر حضرت ولی‌عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف می‌باشد. واژه مناره در مفهوم مشعلی فروزان و نشانه راهنمایی در این دعا ذکر گردیده است.

اللّهُمّ إِنّکَ أَیّدْتَ دِینَکَ فِی کُلّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَماً لِعِبَادِکَ، وَ مَنَاراً فِی بِلَادِکَ. (۶۰)

«خداوندا تو در هر زمان دینت را به سبب رهبری بر حق تأیید کردی و او را مانند مشعلی فروزان و نشانهای برای بندگانت، جهت یافتن راه حق در شهرهایت بپا داشتی»

## ۳- جایگاه مناره در مساجد قرون اولیه اسلامی

در قرون اولیه اسلامی، تعداد کمی از مساجد در ایران و دیگر نقاط جهان اسلام دارای ساختار معماری مناره هستند و به بیان روشن‌تر قدمت مناره‌های اولیه چندان روشن نیست. مناره‌ها علاوه بر کارکرد آتشگاه، میل راهنما و برج در معماری پیش از اسلام با نمودی نوین که نشانگر عملکرد مذهبی و سیاسی در کنار یکدیگر است، در معماری در گسترده تمدن اسلامی جلوه‌گر شده‌اند. در دهه‌های نخستین اسلامی اذان از روی بام مسجد گفته می‌شده، و طی ادوار بعدی مناره به‌عنوان جایگاه اذان و مؤذن در مسجد مطرح گردیده است (فینستر، ۱۳۹۲: ۱۸۰). این مناره‌ها به‌عنوان فرم‌های روباز و بیرونی محسوب گردیدند که با ارتفاع زیاد، به‌صورت گرد با راه رویی به بالا و بنایی مستقل از مسجد ساخته می‌شدند، و زمانی که به مسجد متصل می‌گشتند، در یکی از جوانب آن قرار می‌گرفتند (اتینگ‌هاوزن - گرابار، ۱۳۸۳: ۳۹۴). اولین اشاره در متون تاریخی به مأذنه‌ای که به شکل مناره‌های فعلی ساخته شده، مربوط به مسجد جامع بصره می‌باشد، این مناره توسط والی بصره زیادبن‌ابیه در سال ۴۴ یا ۴۵ هجری قمری ساخته شده است. وی مسجد جامع بصره را با آجر و گچ ساخت و سقف مسجد را از ساج بنا کرد، و تک مناره مسجد را از سنگ بنا نمود، همچنین او نخستین کسی بود که مقصوره ساخت و دارالاماره را به سمت قبله مسجد منتقل کرد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۸۷). به‌کارگیری الگوهای معماری تمدن‌های پیش از اسلام در مناطق هم‌جوار

در معماری قرون اولیه اسلامی نمایان است، با استناد به منابع تاریخی می‌توان مشخص نمود تک منارهای ایرانی در پیش از اسلام الگوی رایج در مناطق هم‌جوار در بین‌النهرین بوده است، همچنین تأکید بر ساختار سنگی مناره در کنار ساختار آجری مسجد نشانگر جایگاه و اهمیت مناره در اعلام رسالت اسلام در سرزمین مفتوحه است. با به قدرت رسیدن امویان و انتخاب پایتخت امپراتوری در سرزمین‌های روم شرقی معماری و ویژگی‌های هنری رومیان در معماری پایتخت امویان و دیگر سرزمین‌های مفتوحه تحت تسلط آنان بکار گرفته شده است، و بهره‌گیری از دو و یا چهار مناره در بنا در سبک معماری رومی و برج‌های کلیساهای سوری کاملاً مشهود است، این الگو علاوه بر ویژگی سازه‌ای کارکرد نظامی نیز در خود داشته است و جنبه دفاعی در بنا را لحاظ نموده است. نمونه شاخص این امر را می‌توان در مناره‌های مسجد جامع عمرو و به‌تبع بعد از آن مناره‌های مسجد جامع دمشق مشاهده نمود که به‌عنوان نمونه‌های شاخص در شکلی متناسب نشانه‌هایی از مناره‌های بعدی را در خود دارند.

## ۴. مناره‌های شاخص قرون اولیه اسلامی

### ۴-۱. مناره مسجد جامع عمرو

مقریزی در رساله خویش به مناره مسجد جامع عمرو در فسطاط در سال ۵۳ هجری قمری اشاره دارد، وی نقل می‌کند: معاویه به والی خود مسلمه بن مخلد الانصاری دستور داد تا صومعه‌هایی[۱] برای اذان گفتن بسازند، والی او مسلمه در چهارگوشه مسجد جامع چهار صومعه ساخت و از جاده‌ای که در خارج مسجد بود پلکانی قرار دارد تا مؤذن از آنجا بالا رود و در طلوع صبح اذان بگوید. این پلکان تا زمان خالد بن سعید که راه را عوض کرد و از داخل مسجد پله‌های را قرار داد، برای بالا رفتن مؤذن باقی‌مانده بود (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۹).

### ۴-۲. مسجد جامع دمشق

مسجد جامع دمشق از نخستین و بزرگ‌ترین مساجد جهان اسلام در دوره امویان در شمال غربی دمشق کهن قرار دارد (اتینگ‌هاوزن - گرابار، ۱۳۸۳: ۲۹). در دوره تئودوسیوس‌اول «۳۹۱ میلادی» امپراتور روم در محوطه داخلی معبد رومی «ژوپیتر»، کلیسای یوحنا با چهار برج در چهار گوشه آن و چهار دروازه ساخته شد (Burns, ۲۰۰۷: ۸۸). پس از فتح دمشق به دست مسلمانان، نیمه شرقی معبد به مسجدی به سبک معماری بیزانس تبدیل گردید و نیمه غربی آن در اختیار مسیحیان ماند، و در زمان ولید اول نیمه غربی نیز به ساختمان مسجد الحاق گردید (ابن فقیه، ۱۳۷۵: ۱۵۷، بلاذری، ۱۳۳۷: ۱۸۱؛ ابن جبیر، ۱۸۵۲: ۲۱۲). به دستور ولید همه بناهای پیشین را برچیدند، به جز دیوارهای تمنوس کهن و چهار برج گوشه آن که به آن‌ها صوامع می‌گفتند (ابن فقیه، ۱۳۷۵: ۱۵۸)، (Burns, ۲۰۰۷: ۱۱۵). دیوار مقدس پرستش‌گاه ژوپیتر «دیوار اصلی بیرونی محدوده معبد»، دیوار بیرونی مسجد را تشکیل می‌دهد و چهار برج دیده‌بانی، به چهار مناره مسجد تبدیل شدند.

---

۱. محلی مرتفع برای عبادت

عدد چهار از مسجد مدینه اقتباس شده که هم‌زمان با مسجد دمشق در حال ساخت بوده است (هاتشتاین - دیلیس، ۱۳۹۰: ۶۹). به دستور ولید در شمال مسجد و در برابر گنبد بزرگ آن مناره‌ای به نام مأذنه‌العروس ساختند (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۹: ۱۵۰). طرح این مناره‌ها بعدها به منزله نمونه کامل مناره مسجد در نواحی شام، آفریقای شمالی و اسپانیا به کار گرفته شد و به مأذنه «سوری» معروف گشت. در تغییرات اخیر، طرح مناره‌های مسجد مکه و مدینه، از روی مناره‌های مسجد دمشق الگوبرداری شده است (وزیری، ۱۳۷۳، ج ۲: ۴۶۶).

### ۴-۳. مسجد شوش

مسجد شوش با نقشه شبیه به اولین مساجد عربی و تک مناره مدور نمونه شاخص هم دوره با مسجد جامع دمشق است (بهنام، ۱۳۴۷: ۷۷). با این تفاوت که به‌جای مناره‌های چندگانه تنها دارای یک مناره است. برطبق نوشته پرفسور گیرشمن، در گوشه شمال شرقی مسجد شوش که در اواخر قرن اول هجری و تقریباً هم‌عصر با مسجد دمشق ساخته شده، یک مناره مدور وجود داشته است که امروزه فقط پایه‌های آن باقی‌مانده است (بهنام، ۱۳۴۷: ۷۴).

### ۴-۴ مسجد پیغمبر

در زمان ولید بن عبدالملک در مسجد پیغمبر الگوی چهار مناره مجدداً توسط عمر بن عبدالعزیز در سال ۸۸ هجری قمری اجرا گردید. عمر بن عبدالعزیز در جهت توسعه و تحکیم مسجد پیغمبر، در چهار گوشه مسجد چهار مناره برپا نمود (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۵۸). قرارگیری مناره‌ها در گوشه‌های ساختمان مسجد نشانگر نقش این عوامل معماری به‌عنوان تثبیت مفصل‌بندی در بناست؛ این ویژگی در مساجد فسطاط، مدینه و دمشق قابل‌مشاهده است (هیلن‌برند، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

### ۴-۵. مسجد جامع قصبه

پس از مسجد پیغمبر مناره زیبای مسجد جامع قصبه در رمله از آبادی‌های فلسطین شایان توجه بوده است، این مناره توسط هشام بن عبدالملک از رخام سفید ساخته شده است. ساختار باشکوه مسجد و مناره آن در تقابل با ساخت کلیسای بالعه از سوی هشام بن عبدالملک صورت‌گرفته است. مناره مسجد پس از مدتی خراب شده و در سال ۱۰۰ هجری قمری مجدداً بنا گردیده است (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۳۲).

### ۴-۶. مسجد جامع قیروان

از کهن‌ترین مسجدهای بازمانده و نخستین مسجد سراسر سبک مغربی و غرب قلمرو اسلام است (بوک‌هارت، ۱۳۹۲: ۱۳۲). الگوی مناره قیروان احتمالاً فانوس‌های دریایی رومی موسوم به سالکتا «سلکتوم قدیم» بود که به وفور در نزدیکی آن در سواحل تونس وجود داشته است (هیلن‌برند، ۱۳۸۵: ۱۴۰)، تنه سه طبقه مناره در روی یک پایه مربع قرار گرفته (Petersen, ۲۰۰۲:۶)، طبقه دوم کوچک‌تر از اول و طبقه سوم کوچک‌تر از دوم است. مناره قیروان از لحاظ فرم شبیه کعبه

زردشت در نقش‌رستم، می‌باشد (زمانی، ۱۳۵۱: ۶۹). جثه عظیم و فرم مکعب شکل تک مناره قیروان الگوی تکامل‌یافته مناره مسجد جامع دمشق است (وزیری، ۱۳۷۳، ج ۲: ۴۶۶-۴۶۷). مناره عظیم آن از معماری عراق دوره عباسی الگو گرفته است (هیلن‌برند، ۱۳۹۱: ۴۴)، زیرا شکل سه طبقه‌ای یا سه پله‌ای در پیش از اسلام شام شناخته شده نیست (هیلن‌برند، ۱۳۸۵: ۱۴۰).

### ۴-۷. مسجدالحرام

در راستای توسعه مسجد به دستور منصور دوانیقی در سال ۱۳۰ هجری قمری بنا شد (فاضل، ۱۳۴۷-۴۸: ۵۳)، سه دهه بعد در سال ۱۶۷ هجری قمری خلیفه مهدی در توسعه و تحکیم بنای مسجد بسیار کوشید. در بالای دیوار شبستان غربی کتیبه‌ای از خدمات وی به یادگار مانده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۷۴). به دستور مهدی خلیفه عباسی دو مناره سبز که در میان صفا و مروه قرار دارد، بنا شده و میان هر مناره با مناره مقابلش ۱۱۲ ذراع [۱] فاصله بوده است (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۵۳). مناره باب‌الزیاره مسجدالحرام به سال ۳۸۴ هجری قمری نیز به دستور معتصم عباسی ساخته شد (فاضل، ۱۳۴۷-۴۸: ۵۳). در سده هفت هجری در بازدید ابن بطوطه از مسجدالحرام، وی اشاره به پنج مناره آن دارد که یکی روی رکن ابوقبیس نزدیک باب‌الصفا، دیگری روی رکن باب بنی‌شیبه، سوم بر باب درالندوه و چهارم بر رکن باب‌السدره و پنجم بر رکن اجیاد قرار داشته است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۸۱).

### ۴-۸. مسجد جامع قرطبه

مسجد جامع قرطبه نمودار خالص‌ترین سبک معماری عربی است، و این امر آشکارا پیامد دورافتادگی نسبی اسپانیای اسلامی است. مسجدی که در ۱۶۹ هجری قمری برپا شد، نمونه‌ای از مسجد جامع دمشق و پیامدی منطقی از مضمون‌های معماری معتبر زمان ساخت آن است (بوک‌هارت، ۱۳۹۲: ۱۳۵). بنای اصلی مسجد دارای مناره نبوده است، و اذان از برج کاخ مجاور اقامه می‌شده است. در سال ۱۷۲ هجری قمری هشام اول پسر عبدالرحمن دستور ساخت مناره‌ای را صادر نمود، این مناره روبروی دیوار شمالی مسجد بنا شده بود؛ ولی اثری از آن یافت نشده است. در زمان خلافت عبدالرحمن سوم «۳۴۲ هجری قمری»، وی مناره هشام اول را حذف نمود؛ چون دیگر پاسخگوی نیازهای عملی جمعیت نبود. وی مناره‌ای در سمت جنوبی صحن احداث نمود که دارای بدنه پلکانی بوده است و هر چه به سمت بالا می‌رفته کوچک‌تر می‌گردیده است، امروزه اثری از این مناره وجود ندارد؛ چون در قرن شانزدهم میلادی برج ناقوس کلیسای جامع در محل آن ساخته شده است. تنها نمایی از مناره دوران خلیفه عبدالرحمن سوم در لوحی برجسته در بیرون نمای شرقی مسجد جامع موجود است که نشانگر ویژگی‌های مناره فوق است (هاتشتاین- دیلیس، ۱۳۹۰: ۲۲۲-۲۲۴).

### ۴-۹. مسجد سامرا

---

۱. هر ذراع ۵۰ سانتی متر است

با توجه به بهره‌گیری از مناره‌های چندگانه در سرزمین‌های مختلف اسلامی، الگوی تک مناره در سال ۲۴۲ هجری قمری در مسجد سامرا یا مسجد متوکل مجدداً مورد استفاده قرار گرفته است (اتینگ‌هاوزن - گرابار، ۱۳۸۳: ۱۰۲)، مناره مسجد سامرا به‌عنوان نماد شاخص شهر و مسجد جامع آن از سوی مورخین معرفی شده است (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۶۹). سالم‌ترین و مهم‌ترین بخش جامع کبیر که به‌صورت بنایی مستقل ساخته شده، مناره حلزونی شکل آن است. این برج عظیم که به نام مَلویه «مارپیچ» معروف است توسط پلی به مسجد سامرا متصل بوده است. این منار در محوطه زیاده و در فاصله ۲۷/۲۵ متری از دیوار شمالی و در امتداد محور مسجد واقع است (هاتشتاین - دیلیس، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

### ۴-۱۰. مسجد ابودلف

الگوی تک مناره مسجد سامرا در مسجد ابودلف دیگر مسجد شاخص سامرا مربوط به سال ۲۵۰ هجری قمری نیز مشاهده می‌گردد (اتینگ‌هاوزن - گرابار، ۱۳۸۳: ۱۰۲). مناره جامع در زیاده شمالی، بر یک محور شمالی - جنوبی به فاصله ۹/۵ متری از دیوار شمالی مسجد جای دارد (فرانسیس، ۱۹۴۷.م: ۶۹). مناره جامع ابودلف را باید نمونه کوچک‌تر مَلویه جامع متوکلیه سامرا دانست، مبدأ مناره‌های حلزونی با ساسانی چون فیروزآباد غرابت بیشتری دارد (مصطفوی، ۱۳۴۷: ۵۷). بخش پایینی مناره مسجد ابودلف همانند مسجد بزرگ سامرا پهن‌تر است و هر قدر به طرف بالا می‌رود از عرض آن کاسته می‌شود، این ویژگی در طبقات زیگورات‌ها نیز مشاهده می‌گردد (وزیری، ۱۳۷۳، ج ۲: ۴۷۰).

### ۴-۱۱. مساجد ایرانی

علاوه بر مساجد شاخص حکومتی، مساجد ولایت‌های تحت نفوذ نیز دارای اهمیت هستند. مسجد جامع اصفهان، به‌عنوان بزرگ‌ترین مسجد شناخته شده ولایتی از دوره عباسی فاقد مناره بوده است (هاتشتاین - دیلیس، ۱۳۹۰: ۱۰۹). اما فرم منارهای بسیار قدیمی ایران در مساجد قدیمی نظیر؛ دامغان و سیراف از شکل برج مربع که در دوره اموی معمول بوده، پیروی کرده‌اند (هیلن‌برند، ۱۳۸۵: ۱۵۲). در مسجد سیراف مناره چهارگوش آن روبروی محراب افزوده شده است (هاتشتاین - دیلیس، ۱۳۹۰: ۱۱۰). مناره نائین سنت شکل مربع را در نقشه همکف خود حفظ کرده؛ ولی در نما، با قراردادن تنهای هشت‌ضلعی روی پایه مربع خود را از آن رها می‌کند (هیلن برند، ۱۳۸۵: ۱۵۲). مناره با پایه چهارگوش و میله هشت ضلعی شیپوری در گوشه جنوب شرقی احداث شده است (هاتشتاین - دیلیس، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

### ۴-۱۲. مسجد ابن طولون

مسجد دارای مناره سنگی کوچکی است که پلکان آن در خارج از بدنه مناره قرار دارد (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۸۳)، مسجد شباهت ظاهری بسیاری با مسجد جامع سامرا و مسجد ابودولف دارد، از این رو نخستین مناره مسجد همانند منار مَلویّه مسجد سامره بوده است (Petersen,۲۰۰۲:۱۱۳)

مناره در ضلع شمال غربی زیاده ساخته شده است (هاتشتاین - دیلیس، ۱۳۹۰: ۱۱۳). مناره نخستین مسجد کاملاً از آجر ساخته شده بود (وزیری، ۱۳۷۳، ج ۲: ۴۷۳). دومین مناره مسجد جامع در قسمت پایین مربع در وسط مدور و در بخش فوقانی هشت‌گوشه است (لوبون، ۱۳۱۸: ۳۰۱). این مسجد از آن جهت جهانی است که قومی و محیطی با مغرب تفاوت بسیار دارد. ریشه ساخت این مسجد به تأثیرپذیری از معماری ایرانی باز می‌گردد. مسجد ابن‌طولون حیاط مربع شکل بزرگی دارد که ساختمان‌ها در پیرامون آن قرار گرفته‌اند. در مقابل محراب مسجد مناره برپاست، این مناره از سنگ آهک و در چندطبقه با پایه مربع ساخته شده است که بر آن بنای مدور با پلکانی پیچاپیچ خارج از بنا قرار دارد و به برج ساعت مملوک از ساخته‌های اخیر منتهی می‌شود (بوک‌هارت، ۱۳۹۲: ۱۴۰). مناره موجود بنا یک بازسازی از اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم میلادی است، مناره ابتدا کاملاً از آجر بوده و در اواخر قرن هفتم هجری قمری آن را تبدیل به مناره سنگی نمودهاند، و بعدها برای آن یک پایه مکعب ساخته و در بالای آن یک کلاهک مخصوص قرار دادهاند (وزیری، ۱۳۷۳، ج ۲: ۴۷۳). مورخین اولیه معتقدند، شکل اصلی منارہ مارپیچ و تقلیدی از منارہ مسجد سامرا بوده است (هیلن‌برند، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

## ۵. تحلیل و بررسی

با توجه به مفاهیم مطرح شده از واژه منارہ می‌توان دریافت این واژه در کلام ائمه، اهل حدیث و هنرمندان با آرایه‌های ادبی برای درک معنی همراه بوده است.

در قرآن عنوان شده؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ » (سوره جمعه: آیه ۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون برای نماز جمعه ندا در داده شد به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را واگذارید اگر بدانید این برای شما بهتر است. یکی از وقایعی که در اوایل اقامت حضرت رسول ﷺ در مدینه اتفاق افتاد، مسئله اذان بود. چون در جامعه تازه اسلامی ضرورت دعوت مومنان در هنگام نماز خواندن حس می‌شد. عمر با پذیرفتن شیوه یهودیان و مسیحیان مخالف بود، پیشنهاد کرد که مردی برای نماز صلاه دهد. پیامبر این پیشنهاد را پذیرفت و به بلال که صدایی رسا و نافذ داشت دستور داد به بانگ بلند مومنین را برای نماز خواندن فرا بخواند(هاتشتاین-دیلیس، ۱۳۹۰: ۲۲). در ابتدا از پشت‌بام مسجد برای اذان گفتن استفاده می‌شد، اما با گسترش اسلام و فتوحات مسلمین نیاز به بنایی با ساختار ویژه برای این امر در سرزمین‌های مفتوحه بود تا رسالت اسلام را به گوش جهانیان برسانند. در قرون اولیه اسلامی، تعداد کمی از مساجد در ایران و دیگر نقاط جهان اسلام دارای ساختار معماری منارہ هستند و در بیان روشن‌تر قدمت منارہ‌های اولیه چندان روشن نیست. منارہ‌ها علاوه بر کارکرد آتشگاه، میل راهنما و برج در معماری پیش از اسلام با نمودی نوین که نشانگر عملکرد مذهبی و سیاسی در کنار یکدیگر است، در معماری در گسترده تمدن اسلامی جلوه‌گر شده‌اند. با این وصف منار، منارہ، گلدسته، ماذنه و مأذنه پرکاربردترین واژگان مترادف در این باب هستند؛ معانی مرتبط با این واژگان با توجه به ساختار سیاسی، اجتماعی و مذهبی شکل گرفته است. معنای لغوی این واژه در مفهوم مأذنه و جایگاه اذان بر علامت بصری منارہ در ابتدا بر حضور جماعت مسلمان برای انجام فریضه نماز دلالت

می‌کرده است. کم‌کم جایگاه سیاسی و تعداد مناره در سرزمین‌های مفتوحه نشانگر پیروزی اسلام بر دیگر ادیان مذهبی و گستره تمدن اسلامی گشت. برای روشن‌تر گشتن جایگاه عبادی و سیاسی مناره در سرزمین اسلامی لازم است، زمینه پیدایش، فرم‌های ساختاری، تأثیرپذیری از معماری پیش از اسلام و تحولات آن را در مساجد قرون اولیه اسلامی در ملل تحت نفوذ مورد بررسی قرار دهیم(پورشعبانیان، ۱۳۹۹: ۴۵).

در نتیجه کلمه منار و مناره مشتق از اولین کاربری بوده که این بنا داشته است، مناره پیش از الحاق به ساختمان مسجد، کاربری میل راهنما داشته و برای هدایت مسافرین ساخته شده است. در ادوار اسلامی واژگانی همانند گلدسته و مأذنه در راستای کاربری مذهبی مناره به وجود آمده و جایگاه اذان و مؤذن در ساختار مذهبی را تداعی می‌نموده است. قرارگیری مناره در محور شمالی و جنوبی مسجد نشانگر تعداد آن‌ها بر حسب کاربری‌های گوناگون است. بهره‌گیری از آجر و سنگ به‌عنوان مصالح بکار رفته در معماری مناره نیز حاکی از استحکام بنا در طی ادوار گوناگون را داردکه در برخی فرهنگ لغت‌ها؛ همانند نفیسی، دهخدا و معین بدان اشاره شده است.

در کلام ائمه وجه تشبیهی در مفهوم واژه اهمیت دارد، مناره در کلام امام علی﵇ و امام سجاد﵇ در جایگاه مفهومی علم، علامه، نشانگاه، برای مناره کاربرد دارند، این واژه نشانه‌ای جهت هدایت و نجات انسان ذکر شده همان‌گونه که در قرآن نیز ذکر شده خداوند هرکس را بخواهد به سوی نورش هدایت می‌کند، خداوند برای مردم مَثَل‌ها می‌زند تا حقایق را بفهمند، و خداوند به همه چیز داناست (سوره نور، آیه ۳۵). نور انسان را از تاریکی دور می‌سازد، زشتی و پلیدی را آشکار می‌سازد، هر چیز را برای انسان آشکار و روشن می‌سازد و مسیر هدایت را مشخص می‌کند، ائمه در تربیت انسان و راهنمایی در شناخت معارف دین تشبیهی همانند مناره را دارا هستند که هدایت گر در مسیر سعادت هستند.

## نتیجه‌گیری

خداوند در قرآن خود را نور آسمان‌ها و زمین می‌نامد، از اینرو در فرهنگ اسلامی نور را مظهر خداوند می‌دانند و در منابع دینی برای جلوه‌گر ساختن هستی خداوند و نشان دادن مظهری از او در بناهای مقدس، از شیوه‌ها و مفاهیم گوناگون بهره جستند. هدف و آرمان کلمات بکار رفته در مفاهیم دینی این بوده که پیوندی میان جهان خاکی و جهان معنوی برقرار سازند و از این راه رابطه‌ایی میان مردم جامعه و نیروهای مقدس مینوی پدید آورند. از این رو مفاهیم، شکل‌ها و نقش‌هایی را که غالباً بر اساس مفاهیم نمادی ویژه آن‌ها در فرهنگ و جامعه بر می‌گزیدند در معماری به کار برده‌اند. با ورود اسلام وگسترش و توسعه دولت و تمدن اسلامی، اعراب با تمدن‌های کهن همانند؛ ایران، مصر، بین النهرین، آسیای صغیر و مغرب در سراسر جهان ارتباط پیدا کردند، و به بطن این تمدن‌ها راه یافتند و از معماری و فرم‌های این سرزمین‌ها برای بناهای خود به ویژه بناهای مذهبی خود استفاده نمودند. عصر اموی را می‌توان دوران ظهور مناره در فرم‌های شاخص دانست. امویان با گسترش سرزمین‌های اسلامی، با رومیان در آسیای صغیر روبه‌رو شدند و پایتخت غنی آنان که مملو از آثار شاخص معماری بود به الگوی امویان در ساخت بناها و مناره‌های شاخص انجامید. فرم صوری مناره‌ها در این دوران از برج‌های کلیساهای سوری که محل نصب ناقوس کلیسا بوده، گرفته شده است. این حقیقت که اصطلاح اولیه و رایج برای مناره صومعه بوده، احتمال درست چنین فرضی را قوی‌تر می‌سازد. مناره‌های جامع عمرو درخطاط مصر مطابق با نقشه دمشق که آن را مسلمین پس از فتح دمشق تصرف کرده بودند و با تغییر شکل کلیسا تبدیل به مسجد گردید و از آن استفاده می‌کردند، ساخته شده بود. برج‌های کلیسا برای مناره‌هایی که در مراحل اولیه توسعه قرار داشتند بهترین نمونه هم از نظر ایفای نقش و هم از نظر مکان قرارگیری بودند، شکل نمادین مناره مفاهیم بزرگی همچون مجد و عظمت اسلام را در ذهن متبادر می‌سازد. گرچه مناره‌ها با بزرگ‌ترین هدف خود یعنی جنبه عبادی ساخته می‌شدند اما نقش نمادین و تبلیغی آن‌ها نیز قابل تشخیص بود و در حقیقت در میان مناره‌های اولیه، نمونه مسجد اعظم امویه دمشق را می‌توان یافت که در آن برج‌های گوشه‌ای و قدیمی قرار دارند که به‌عنوان محلی برای اعلام و انتشار دین جدید در یک شهر مسیحی‌نشین استفاده می‌شد و به علت وجود این برج‌های رفیع و چهارگوش این اعلام به گوش همگان می‌رسید. در مساجد قرون اولیه اسلامی در ایران نیز سبک بناهای دوره ساسانی الگوی رایج بود، و همان روشی که در ساختن ستون‌ها و بنای طاق در بناهای مذهبی و قصور سلطنتی ساسانی معمول بود در بنای مساجد و مناره‌های اسلامی متداول بود. در مساجدی که در غرب ایران ساخته شده نیز مناره‌هایی به سبک معماری بومی به شکل چارطاقی و ساسانی وجود دارد، که بعدها و در زمان خلافت عباسیان الگوی بسیاری از مساجد دنیای اسلام همانند؛ مسجد سامرا، مسجد ابودالف و مسجد قیروان گردید. به دنبال پیروزی‌های بزرگ در قرون بعدی همه مناره‌ها در جاهای دور دست و یا موقعیت‌های نظامی توسط حاکمان ساخته می‌شدند، ترکیب استاندارد و باریک مناره بر فراز مسجدی که چندان هم مرتفع نیست به‌عنوان نماد اسلام در معماری اسلامی پذیرفته می‌شود و در کنار این جایگاه نمادین، جنبه عملی و نقش مناره‌ها برای بهتر شنیده شدن اذان است. گاهی مناره در چهارگوشه مسجد همانند «جامع عمرو» در خطاط مصر و «مسجد پیغمبرﷺ» در مدینه ساخته

می‌شد، و گاه مناره را در قسمت غربی و یا شمالی مسجد و یا در نیمه آخر دیوار مسجد همانند مناره‌های «جامع قیروان» در تونس بنا می‌کردند. گاهی مناره را در خارج از ساختمان مسجد همانند «جامع سامرا» در عراق نیز می‌ساختند، و نهایتاً در ضلع جنوبی مسجد همانند «جامع ابن طولون» ساخته می‌شد. در ایران نیز مناره‌ها، گاه چسبیده به درب ورودی مسجد بودند و زمانی نیز جدا از آن ساخته می‌شدند. علی‌رغم آن که مناره‌های دنیای اسلام شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارند؛ اما باید اذعان داشت که فنون معماری در هر کشور تابع مختصات و ویژگی‌های خاص خود می‌باشد، همان‌گونه که مناره‌های مساجد کشورهایی چون سوریه و فلسطین از لحاظ فن معماری و هم از لحاظ مواد مصالح شبیه یکدیگرند. همه این خصوصیات یعنی پیوستگی با معماری دوران گذشته، نمادگرایی مذهبی، جنبه کاربردی و غیره تنها در یک طرح با شکوه معماری ترکیب شده‌اند تا مناره در طرح معماری ایفای نقش کند.

**جدول شماره ۲: تصاویر برخی از مناره‌های شاخص قرون اولیه اسلامی**

| | |
|---|---|
| | |
| مناره‌های مسجد دمشق | مسجد ابودالف سامرا |
| | |
| مسجد جامع سامرا | مناره مسجد ابن طولون |

| | |
|---|---|
| | |
| مسجد قرطبه | مناره مسجد قیروان |

(www.google.com)

## کتاب‌نامه


***قرآن کریم***

***نهج البلاغه***

***صحیفه سجادیه***

ابن‌فقیه، احمد بن محمد (۱۴۱۶). ***البلدان***. محقق یوسف‌هادی. بیروت: لبنان، عالم کتاب

ابن بطوطه، محمدبن‌عبدالله (۱۳۷۶). ***سفرنامه ابن بطوطه***. مترجم محمد علی موحد ابطحی. تهران، ناشرآگه.

ابن‌جبیر، أبو الحسن محمد بن أحمد (۱۳۸۵م). ***رحله ابن جبیر***. بیروت: لجنه تحقیق التراث بدار ومکتبه الهلال

ابن‌کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر (۵۱۴۰۷). ***البدایه النهایه***. بیروت: ناشر دارالفکر

احمدبن یحیی بلاذری، ابوالحسن (۱۳۳۷). ***فتوح البلدان***. ترجمه محمد توکل. تهران، نشر نقره.

الحموی، ش‌هاب‌الدین أبوعبدالله یاقوت بن‌عبدالله الرومی (۱۹۹۵م). ***معجم البلدان***. بیروت: دارصادر.

اتینگ‌هاوزن، ریچارد؛ الک گرابار (۱۳۸۳). ***هنر و معماری اسلامی*** . ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات سمت.

اردلان، نادر؛ لاله بختیار، حس وحدت (۱۳۹۲). ***نقش سنت در معماری ایرانی***. مترجم ونداد جلیلی. تهران: انتشارات علم معمار

بهنام، عیسی (۱۳۷۴). «آثار تاریخی: مساجد ایران از ابتدای دوران اسلامی». ***نشریه بررسی‌های تاریخی*** شماره ۱۷.

بوک‌هارت، تیتوس (۱۳۹۲). ***هنر اسلامی زبان و بیان***. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: نشر سروش

پورشعبانیان، زهرا (۱۳۹۹). ***مناره‌های ملکوت***. اصفهان: مهرستان.

داعی الاسلام، سید محمد علی (۱۳۶۲). ***فرهنگ نظام***. بی‌جا.

زمانی، عباس (۱۳۵۱). «منار و مناره تزیینی در آثار تاریخی اسلام». ***نشریه هنر و مردم***. شماره ۱۲۱.

عمید، حسن (۱۳۸۹). ***فرهنگ فارسی عمید***. تهران: انتشارات راه رشد.

فاضل، محمود (۱۳۴۸). «پیدایش مناره در اسلام». ***نشریه هنر و مردم***. شماره ۷۷-۷۸.

فرنسیس، بشیر؛ محمود علی (۱۹۴۷م). ***جامع ابی دلف*** .بی‌جا.

فینستر، باربارا (۱۳۹۲). ***مساجد اولیه ایران از آغاز تا دوره حکومت سلجوقیان***. تهران: موسسه پازینه

لوبون، گوستاو(۱۳۱۸). ***تاریخ تمدن اسلام و عرب***. ترجمه سید محمد تقی فخرداعی گیلانی. تهران: انتشارات افراسیاب

مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۳۸۷). ***زادالمعاد***. مترجم علاالدین اعلمی. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات

مقریزی، احمد بن علی (۱۴۱۸). ***المواعظ والاعتبار بذکر الخطط والاثار المعروف بالخطط المقریزه***.

بیروت: دار صادر.
مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد (۱۳۶۱). ***احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم***.ترجمه علینقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایرانی.
معین، محمد (۱۳۸۱). ***فرهنگ فارسی***. تهران: انتشارات ادنا.
نفیسی، علی اکبر (۱۳۵۵). ***فرهنگ نفیسی***.تهران: کتاب فروشی خیام.
وزیری، علی نقی (۱۳۷۳). ***تاریخ عمومی هنرهای مصور***. تهران: انتشارات هیرمند.
هوگ، ج-هانری مارتین (۱۳۷۵). ***سبک شناسی هنری و معماری در سرزمین‌های اسلامی***. ترجمه پرویز ورجاوند. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
هاتشتاین، مارکوس؛ پیتر دیلیس (۱۳۹۰). ***اسلام هنر و معماری***. تهران: انتشارات پیکان.
هیلن‌برند، روبرت (۱۳۸۵). ***معماری اسلامی*** (معنا، مفهوم، کارکرد). تهران: انتشارات روزنه.
هیلن‌برند، روبرت (۱۳۹۱). ***هنر و معماری اسلامی***. تهران: انتشارات روزنه.
یعقوبی، احمدبن اسحاق (۱۴۲۲). ***البلدان***. محقق محمد امین ضناوی. بیروت: درالکتب العلمیه.
Burns, Ross, ***DAMASCUSA History***. (2007). This edition published in the Taylor & Francis e-Library.
Petersen, Andrew, ***DICTIONARY OF ISLAMIC ARCHITECTURE***. (2002). This edition published in the Taylor & Francis e-Library.

فصلنامه علمی مطالعات فلسفی و کلامی